

مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه ۱۲۰۹ - ۱۳۲۴ق)

جهانبخش ثواقب*

چکیده

یکی از مأموریت‌های اصلی سلسله‌های حکومت‌گر در ایران برای تداوم قدرت سیاسی خود، برقراری امنیت اجتماعی و مقابله با پدیده‌هایی بود که آرامش و ثبات کشور را در هم می‌ریخت. از این رو پدیده‌هایی چون شورش‌های اجتماعی، راهزنی و دزدی، بی‌اعتنایی به فرامین شاه و مأموران دولت، اختلال در وضعیت ارزاق عمومی و بازار، قتل، تجاوز به عنف، بدمستی و اموری از این قبیل؛ مجازات‌هایی را در پی داشت که بدون ضابطه‌ی مشخصی به شیوه‌های گوناگونی در محاکم عرفی یا به امر شاه، دستور حاکم و یا از سوی برخی مناصب سنتی امنیتی شهرها به اجرا درمی‌آمد. بسیاری از این مجازات‌ها بر مبانی فقهی و شرع استوار نبود بلکه بر اساس عرف، مصلحت‌های حکومت و اختیار صاحبان قدرت قرار داشت. این شیوه مجازات‌های مبتنی بر عرف در دوره قاجاریه به دلیل ناامنی‌های گسترده اجتماعی بسیار بارز بود و در گزارش‌های مورخان و نیز سیاحان اروپایی دیدار کننده از ایران در این دوره بازتاب یافته است. در این مقاله انواع مجازات‌های مجرمان و شیوه اجرای آنها در دوره قاجاریه تا پیش از وقوع انقلاب مشروطه که تغییراتی در ساختار قدرت پدید می‌آید، تبیین شده است. یافته پژوهش نشان داده است که کیفر جرایم تابع رویه حقوقی مشخص و ضابطه‌مند نبوده بلکه خواست و اراده شاه و صاحب‌منصبان حکومتی و تصمیم مأموران اجرایی کیفیت آن را تعیین می‌کرده و غالباً با شیوه خشونت و مجازات‌های سخت انجام می‌شده است.

واژگان کلیدی: قاجاریه، امنیت، جرایم، مجازات، داروغه، فرآش، میرغضب.

۱. مقدمه

در عصر قاجاریه، از آغاز سلسله تا وقوع انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴ق. ۱۹۰۶م.)، به سبب فقدان تشکیلات مؤثر و کارآمد عدلیه و نظام قضایی و تأسیسات منسجم امنیتی و مطرح نبودن حقوق مدنی مردم در نظام استبدادی، حق هر نوع مجازات به هر شیوه درباره مردم به دست شاه و حکام او در ایالات بود. با اینکه بخشی از این مجازات‌ها با هدف برقراری امنیت و بازدارندگی و عبرت دیگران از ارتکاب به جرایم مشابه انجام می‌گرفت اما لزوماً این کیفرها به سبب وقوع جرم و جنایت از سوی دزدان و راهزنان، شورشیان و مخالفان سیاسی حکومت و یا متخلفان کسبه و بازاری و به قصد برقراری آرامش اجتماعی و ثبات جامعه اعمال نمی‌شد، بلکه شاه و صاحب‌منصبان به دلیل اختیاری که بر رعیت داشتند و بنا به خواست و اراده شخصی با خشم و غضب کردن بر کسی حکم به مجازات او می‌دادند که فوراً به اجرا درمی‌آمد. در واقع سیاست اصلی این بود که با اعمال خشونت و مجازات‌های شدید، مجرمان را از دست زدن به کارهای مجرمانه بازدارند، سپس با گرداندن آنها در شهر و یا آویزان کردن بدن آنها در معابر و دروازه‌های شهر، موجب عبرت‌افزایی دیگران شوند. گاه این مجازات‌ها به شکل نوعی سرگرمی و حرکات نمایشی درمی‌آمد که تصور شود دولت یا مأموران او مراقب اوضاع داخلی هستند با اینکه واقعیت بیرونی خلاف آن را نشان می‌داد. زیرا شورش‌های مکرر در ایالات و نواحی، تهاجمات گسترده افراد ایلی و عشیره‌ای به شهرها، راهزنی در جاده‌ها و خطوط مواصلاتی، دزدی از خانه‌ها و اموال مردم، بدمستی‌ها، عربده‌کشی‌ها و درگیری‌های خیابانی و محله‌ای، قتل‌ها و ماجراجویی‌های خشن در شهرها، گران‌فروشی و کم‌فروشی و تخلفات گسترده بازاریان و کسبه، نارضایتی مردمی و بی‌نظمی‌های دیگر که در این دوره رخ داده حاکی از ضعف و ناتوانی نظام سیاسی در نهادینه کردن نوعی امنیت و ثبات اجتماعی در کشور است. سیاست خشونت‌آمیز تأمین امنیت در جامعه قاجاریه کارساز نبود. چرا که ستم حکام ایالات، مردم را در تنگنا قرار داده بود و مردم در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند و پناهگاهی برای دادخواهی جز توسل جستن به خانه‌های عالمان دینی و سنت بست‌نشینی در برخی مکان‌ها نداشتند. با این حال در کنار نوعی محاکم شرعی در این دوره که توسط روحانیون اداره می‌شد، چیزی به نام عرف وجود داشت که بیشتر مجازات‌ها درباره جرایم از آن ناحیه برگرفته می‌شد و توسط شاه، حکام و محکمه عالی یا دیوانخانه اعمال می‌شد. این مجازات‌ها از نوع خشن و غیرمتعارف بود که بی‌رویه درباره افراد اعمال می‌شد.

هدف اصلی در این مقاله بررسی چگونگی برخورد با جرایم امنیتی، انواع آن و شیوه مجازات‌های عرفی در عصر قاجاریه از آغاز تا وقوع انقلاب مشروطیت است که می‌تواند گوشه‌ای از حیات اجتماعی این دوره را تبیین نماید. پرسش اصلی پژوهش آن است که؛ مجازات‌های اعمال مجرمانه در عصر قاجاریه (در سده ۱۳ق.) بر چه مبنایی بوده است؟ در پاسخ این مفروض را می‌توان به بحث گذاشت که مقوله عرف که متأثر از نیازهای فوری، مصلحت‌های دولت و اختیار شاه بود مبنای عمده مجازات‌ها بود و رویه، معیار و ضوابط خاصی نیز بر مجازات‌ها حاکم نبود.

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به گزارش‌های مورخان داخلی و جهانگردان دیدار کننده از ایران عصر قاجاری فراهم آمده است. به‌رغم این گزارش‌های پراکنده و بعضاً مشابه، در حدّ جست‌وجوی نگارنده پژوهش خاصی در باره موضوع صورت نگرفته است. مقالاتی که درباره مناصب امنیتی انتشار یافته به طور ضمنی اشاره‌ای جزئی به برخی مجازات‌های اعمال شده از سوی این صاحب‌منصبان داشته‌اند، نظیر پژوهش‌های لمبتون (۱۳۶۳)، فلور (۱۳۶۶)، و یوسفی‌فر و شکرزاده (۱۳۹۳) درباره منصب پلیس و داروغه در دوره قاجاریه. همچنین پژوهش‌هایی درباره نظام قضایی و حقوقی عصر قاجاریه به انجام رسیده نظیر؛ امین (۱۳۸۲)، مهدوی دامغانی (۱۳۸۳) و فلور و بنانی (۱۳۸۸) که تکیه آنها بیش‌تر بر روی ویژگی‌های نظام قضایی ایران و از جمله دوره قاجاریه است. نوشته‌های محیط طباطبایی (۱۳۵۰) و راوندی (۱۳۶۸) در باره تاریخ دادگستری در ایران نیز به همان شیوه به وضعیت دادگستری عصر قاجاریه پرداخته‌اند. اما تفاوت مقاله حاضر با این پژوهش‌ها تأکید آن بر مجازات‌های عرفی است که نه مبنای شرعی داشت و نه در محاکم عرفی و از سوی مقامات رسمی قضایی صادر می‌شد، بلکه اختیارات و تصمیم‌های صاحبان قدرت و حکومتگران مرکزی یا ایالات این نوع مجازات‌ها را، خارج از رویه معمول قضایی و فارغ از رعایت عدالت و ضابطه، رقم می‌زد. بدین ترتیب این پژوهش متمایز از موارد ذکر شده، می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را برطرف نماید.

۲. نظام دادرسی دعاوی

در عصر قاجاریه در زمینه دادرسی دعاوی حقوقی و کیفری دو نوع قانون جاری بود. قانون شرعی که بر مبنای و قوانین اسلامی مبتنی بود و روحانیون در محکمه شرع اجرا می‌کردند و قانون عادی یا عرفی که بر عرف و عادت استوار بود و داوران عادی در دادگاه‌های